




سخن سردبیر

علی اصغر پورعزت  ID

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir

مرگ باوری و عقلانیت؛ شاخص‌های متمایزسازی خطمشی‌گذاری ایدئولوژیک از خطمشی‌گذاری

اخلاقی

عقلانیت خطمشی‌گذاران در صحنه تصمیم، در مصاف با انواع ایدئولوژی‌ها، باورها، ارزش‌ها، اسطوره‌ها و کهن‌الگوهای قومی و مذهبی، چالش‌هایی بس سترگ و نهادین دارد؛ به‌ویژه شانتاژهای ایدئولوژیک و مهار آنها در عرصه خطمشی، کاری بس دشوار است؛ به طوری که تاریخ گواه است که عرصه‌های خطمشی‌گذاری عمومی، به شدت آسیب‌خورده شانتاژهای ایدئولوژیک‌اند و در این ورطه، ایدئولوگ‌های چپ و راست، هم‌افزایی‌های شگرف داشته، در بسیاری از موارد، به تباہ‌سازی خطمشی‌های عمومی انجامیده، جوامع را به ورطه‌های فروپاشی سوق داده‌اند؛ به‌ویژه آن‌گاه که این ایدئولوژی‌ها، تصاویر اغراق‌آمیزی از آرمان‌شهرهای خود، به‌سان بهشت‌های زمینی معرفی کرده‌اند و با ادعای ایجاد آنها در مناطق گوناگون جهان، جهنم‌های سوزان آفریده‌اند! از قتل عام ساکنان سرخ‌پوست و برده‌های سیاه‌پوست در جامعه لیبرال آمریکایی گرفته تا معدوم‌سازی مخالفان ایدئولوژی کمونیست در جوامع سوسیالیستی چین و شوروی سابق و کره شمالی کنونی.

تاریخ جهان، به‌ویژه از قرون وسطی، با این همه صبغه ایدئولوژیک جنگ‌های صلیبی، دوران اسکولاستیک و نهضت‌های ادعایی لیبرال، کمونیست، فاشیست، فالانژیست، نازیست و صهیونیست و جلوه‌گری انواع نحله‌ها و مشرب‌های فلسفی و سیاسی و مذهبی و نژادی و قومی و قبیله‌ای، روایتگر رخدادهای دل‌خراشی از دوران بدویت انسان تا دوران سیطره کلیسای قرون وسطی، سیطره ایدئولوژی‌های خشونت‌آفرین قرن بیستم و حرکت‌های تکفیری در قرن حاضر است؛ با روایت‌هایی آکنده از جلوه‌های شرم و ننگ بشریت که هرگز فراموش‌شدنی نیستند؛ گویا این خوی ستمگری و عصیان از پانمی‌افتد و هر دم به بهانه‌ای، باز سر بر می‌آورد و فتنه می‌آغازد.

با این حال، گویا مرگ‌باوری و اخلاق، هنوز راه نجات بشریت از سیطره این ستم‌خویی‌های جهان سوز است و خطمشی‌نیز از جمله پدیده‌هایی است که باید بیش از همه، ملتزم به رعایت اخلاق و مرگ‌باوری باشد.

با این ادعا که اگر خطمشی‌گذاران به‌راستی مرگ‌باور باشند، می‌پرهیزند از اینکه جهان را ورطه تاخت و تاز اندیشه‌های ناصواب خویش فرض کرده، آدمیان را به خاک و خون بکشند.

بدان امید که شعله سیطره کژخطمشی‌ها و تباہ خطمشی‌های ایدئولوژیک به خاموشی گراید و استعداد بت‌تراشی ایدئولوژیک از انگاره‌های ذهنی و نظریه‌ها مهار گردد و پارادایم‌های چهل انگیخته و اداره‌های سیاست‌زده اصلاح شوند و بشریت از ظرفیت ایدئولوژی‌سازی یا کالاسازی از نمادها و قهرمان‌ها و فرهنگ‌ها و مذهب‌ها و میدان‌داری بت‌های نظری، بکاهد.

این همه گویا با هدف آلوده‌سازی ایدئولوژیک فضا و انحراف از منافع عامه، دستاویز همه عصرهای سلطه و ستم گستری بوده‌اند.

حاصل کلام اینکه اگر خطمشی‌گذار مرگ‌باور نباشد، بیشتر احتمال دارد که منافع ملی را قربانی منافع شخصی یا حزبی سازد.

امید آنکه آگاهی و هوشیاری حاصل از مرگ‌باوری، نوسداری جهان تباہی‌گرا باشد و این واقع‌گرایی مرگ‌باورانه، بتواند حرکتی اصلاحی را سبب گردد و در مسیر تقویت جان‌مایه اخلاق و عدالت اجتماعی، حرکتی استوار را به‌سوی عقلانیت پایدار و تحقق جامعه اخلاقی شایستگان بیاراید؛ جامعه شایستگان!

جامعه‌ای که پروردگار جهانیان، برترین بندگان خویش را بدان خوانده است تا عصر عدالت‌گستری صالحان را بر پای دارد.

آیه ۱۰۵ سوره انبیاء:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

و همانا نوشتیم در زبور، پس از آنکه در تورات نوشتیم (و اکنون در قرآن حکیم می‌نویسیم): زمین به بندگان شایسته من به ارث می‌رسد.

استناد: پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۰). سخن سردبیر: مرگ‌باوری و عقلانیت، شاخص‌های متمایزسازی خطمشی‌گذاری ایدئولوژیک از خطمشی‌گذاری اخلاقی. مدیریت دولتی، ۱۳(۳)، ۳۸۵-۳۸۶.

